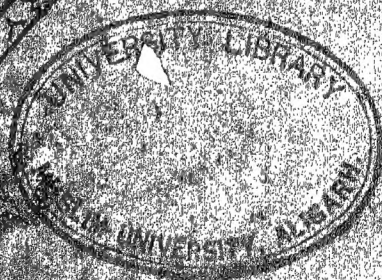
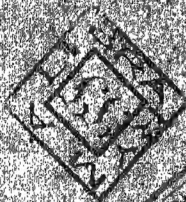


4464

تعلیم اربعان



عزیز باشا صمدی و از افواجی که به این

الحکم سرکار دولتہ از جناب نواب حسین محمد خان بہادر دیرینہ

باجتہام بندہ فقیر محمد حسین خان خاں خاں مولوی محمد حسن خان معوم بقلم فضل خان

درج فی حسن اربعین فی طبع و ت

۲۰۰۵۲

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE4464

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و سپاس و نعت عظمت اساس

پروردگار عالم همیشه تیر دست و صفت تمام برای تست که همه مخلوقات را تو میدا
کرده و از سمک تا سماک ایجاد فرموده بر لوح و بر آن روح تازه می بخشی و از سفره
عام برزق و افرازانی میفرمائی نعت شایسته عالم محمد صلی الله علیه و آله و سلم
که همه مخلوق و همه سولان صلوات الله علی نبینا و علیهم سردار است و بر
ما باعث بخشش گناه و اوزار بعد میگوید را قمر اشم که چون چند سبق دین
او را قمر بر تعلیم صبیان فائده اطفال فارسی خوانان جمع نموده لهذا تعلیم صبیان

قوه با سپردن زمین را پاره پاره بشکنند بار اسرافیل در صور حکم خدا بدمد که دیگر باره
 همه سلاطین و بیکایات زنده به خیز و باره جل جلاله بر تخت انصاف جلوه فرماید
 فرشتگان درین روز صف بصف گرد و عرش تسبیح و تحمید آن حاضر آیند
 و فرمان حق تعالی مخلوق را حشر کرده بحضورش آرند و گروه گروه را نشتر و جدا کنند
 این روز حشر و نشر اقیامت و دوزخ و جزا نامند درین روز فرشته
 و جن پس دیگر حیوانات و دوزخ و جنت به حضور خداوند حاضر آیند و تعالی بهم
 نیکی و بدی را سنجیده عدل فرماید نیکان را جنت عطا فرماید بدان را بد دوزخ
 فرستد جن از آتش آفریده آدم علیه السلام از خاک ساخته شده فرشته از
 نور بظهور آید فرشتگان مطیعان فرمان الهی اند و بنندگان رضا جوین و ساجدگان
 پروردگار ایشان خبر عبودیت بیچ نسبتی به چون ندارند همچنین همه انبیاء بندگان و
 فرستادگان خداوند این همه اصولی را بدل داشتن هم از زبان اقرار کردن با
 ایمان گویند یعنی برین یقین اقرار کردن که خداوند تعالی و ان خالق را زنی قافح
 و ضارست همه مخلوق و فرشتگان و پیغمبران بندگان او یگانه تعالی شانند

نه فرزندان و دختران و او تعالی مالک خیر و شرست چنانچه گویند و خوانند

أَمْسَتْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

خیر و شر من الله تعالی و البعث بعد الموت

و می دانم اَمْسَتْ بِاللَّهِ كَمَا هُوَ بِسْمَاءِهِ وَصَفَاتِهِ وَقَبْلُ

جميع احكامهم

سبق دوم در بیان کفر و شرک

به امری از گفته ضروریات بالا ایمان نیاوردن کفرست یعنی بر او تعالی بایر صفات

او تعالی بایر احکام و بر پیغمبران او تعالی و صفته خاص او تعالی برابر دیگر نسبت

کردن شرک است بدانکه کفر و شرک نهایت بد است که گناه است برابر او نیست آنرا که

کفر کند و شرک آورد کافر و شرک گویند او هرگز نخبشیده نخواهد شد تا توبه نیارد اما دیگر

چیز که بکاران چند آنکه گناه کبیره و صغیره کرده باشند بوقتی امر زید خواهند شد و الشاهد

تو دانی که توبه چیست و بخشش و آمرزش چیست پس توبه از کار نامحار خود شمرده

از خدای تعالی عفو و مجرب خواستن و پیش او تعالی عهد بستن که گاهی مرتکب آن کار

این مالک است

نه

چنانچه در سوره لقمان

یا بنی اسرائیل

بالحق تعالی

عظیم عظیم

و حق است

حضرت

تعالی

خداوند تعالی

بافت

گفت که این

شریک

این الله که حفظ

این شریک است

نخواهد شد و بخشش آنکه بعد ثبوت گناه و نافرمانی از رنج و تکلیف روحانی و جسمانی
 رسانی و درخواست بهر خویش یا بشفا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم یا دیگر پیغمبران صلی الله علیهم
 علی نبینا علیهم یا بابا و نیکوکاران رضوان الله تعالی علیهم چون خلاصه کیفیت ایمان و کفر
 مطالبه کردی ارکان اسلام را هم نگه دار چنانکه سقف بی ستون قائم نمیگردد چنانکه ایمان
 هم بی ارکان استحکام نمیپذیرد بلکه پستی گرداید پس بدانکه ارکان چهارگانه اند نه از
 دوزخ رمضان حج و زکوة این را باید داشتن ایمان را منطبق کردن است
 نماز فرض پنجگانه را با وقتا حسنه و تعدیل ارکان لازم گرفتن و زود رمضان ادا نمودن حج و
 زکوة اگر تعدیل و مقرره زودتر دارد ادا فرمودن دین را محکم نماید این چهار فرض که مذکور
 شد بدین شرح طویل دارند اما درین مختصر انمودی شرح نماز که رکن اول و عماد دین است
 اول ذکر کرده شد و بعد بهر همین طور یک یک فرض برسانید چنانکه تسطیر
 نخواهد شد اگر فرصت وقت و زندگانی دست دهد انشاء الله تعالی

سبق سوم در ذکر فرضهای نماز و جزآن

باید دانست که چنانچه چیزی که مقدمه نماز است داشتن آن مقدم بر بیان مسائل نماز است

اولاً بذكر آن می پردازیم باینکه از اصطلاحات احکام شرعی عموماً و نماز
 خصوصاً واجب و سنت و استحباب و این هر یک را این فرض قطع
 الایالاته قرآن مجید و حدیث متواتر است واجب امر غیر قطعی سنت قول یا فعل
 یا تقریر آنحضرت صلعم که احیاناً خلافتش هم بظهور آمده باشد منکر قطعی ازین است
 کافرت مستحب آن فعل برگزیده هر دو سراسر صلعم که گاهی بعمل آمده
 و تأکید در واقع نشانه تبارک فرض و واجب مستحق و نوح است و اول
 بدست از ثانی و تبارک سنن مستحق عتاب و ولایت و تبارک مستحب و نفل
 محروم از ثواب و فضیلت پس بدانکه برای نماز چهارده فرض اند
 هفت از آن بیرونی است و هفت اندرونی

بیان اوقات نماز

یکی از فرضیه بیرونی وقت نماز است و آن پنج وقت اند یک وقت نماز فجر است و آن
 از ظهور رشته سفید عریض در افق شرقی تا ندیدن کناره آفتاب است دوم
 وقت ظهر است که ابتدای آن بعد از زوال تا دوشل سایه هر چیز سیوا سایه

اصلی است و این یک روایت از حضرت امام عظیم رحمه الله علیه و روایت دیگر از
 امام صاحب و آن غریب صاحبین و جمهور علماست که انتهای وقت ظهر تا یک شل
 سایه چیز سوایه اصلی است سووم وقت عصر و آن از ختم ظهر بریز و وقت
 تا مغروب آفتاب چهارم وقت مغرب و آن از مغروب آفتاب تا شفق
 سرخ پنجم وقت عشا و آن از مغروب شفق سرخ بقول مفتی پانجم شب
 و نزد امام عظیم تا صبح با کراهت تحریری دوم از فرضیه بیرونی پاک جاتی نماز
 سووم پاک بودن پاره نماز گذار چهارم پاک بودن بدن مصلی از نجاست پنجم
 پوشیدن ستر عورت و آن برآمد از ناف تا زیر زانو است و برای زن - زن
 حرم همه بدن سوو و رو کفهای دست و هر دو قدم و برای کنیز از پشت
 و شکم تا زیر زانو ششم قبله رو بودن هفتم نیت نماز

بیان منتهای اندرونی

یکی از آن تکبیر تحریر است و دوم قیام سووم قرات چهارم رکوع پنجم
 و سجده ششم آخری قعد هفتم خروج از نماز بفعل مصلی نزد امام عظیم

و واجبات سون و سنجات نماز بر تو در ترتیب نماز مهوید انخواهد شد انشاء الله تعالی -

سبق چهارم در نجاست و طهارت

چون پاک داشتن جامه و بدن برای نماز فرض است پس باید که پاکی و پلیدی را
شناسد پس بدانکه نجاست دو قسم است نجاست غلیظه و نجاست خفیفه
غلیظه خون و ریم و قی و بول و منی و وودی و منی و سپر کین آدمی است و پس
افکنده جانوران حرام گوشت و پخیال بط و اکیان و خونیکه وقت ذبح ریزد
و لعاب و تری نخوک و گ و فیل نجاست است خفیفه پخیال بول جانوران
ست که خوردن لحم شان جائز است پس از نجاست خفیفه اگر چه پاکی
عضوی از عضوهای بدن یا ریزه از ریزه های پارچه آلوده شود پلیدی است نماز با آن
جائز نیست و اگر ازین مقدار کم است نماز جائز است و از نجاست غلیظه بذر
و غیر آب قهوه است نجاست از شستن پاک شود پس اگر نجاست مرئی باشد شستن
آن مقداری که عین او را نمل شود کافی است و اگر غیر مرئی باشد پارچه راسته با
شستن و شستبار شدن پاک کند آب بر دو قسم است جاری و غیر جاری

جاری بر دو گونه ست اندک و بسیار آب اندک از آلودن نجاست مطلقاً
ناپاک شود آب بسیار و آن آبیکه ده ذراع در عرض و ده ذراع در طول باشد
از آلودن نجاست بمقدار یک صفتی از صفات سه گانه و اگر که رنگ مزه و بوست
متغیر گرداند ناپاک نشود و الا آب جاری با آلودن ناپاکی ناپاک نشود و در
تفصیل بسیارست مجلس مسبوطات فقیهانه اند.

سبق پنجم در بیان وضو

اولاً وہ کہہ وضو کر دے میشود کہ بے وضو نماز وسیعہ و مس قرآن مجید جائز نہیں ہے پس باید کہ نیت ^{۵۴} یعنی از او وضو کر دہ بخواند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ رَبِّ اعْزُزْ بَا

شرح سائبرہ ایک نام کہ جو نہایت مہربان رحم والا کہوای رب میر پناہ مانگتا ہوں میں تیری

مِنْ هَٰمَزَاتِ الشَّيْطَانِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِي

ساتھ ہوسواسوں شیطانوں سے اور پناہ مانگتا ہوں میں ساتھ تیری ای ریہی اس کے ساتھ

۵۸۸
 عوہ از آب پاک برد و دست تا بند دست بشوید سہ بار مضمره و غمر غمر کند

۲۱

سینه بار و سسواک کند و در بینی آب از دست راست انداخته از نرنگشت و خضر
چپ اندرون بینی صاف کند و بلغم اندارد سینه بار رو بشوید از نرنگاره موی سر
تا زیر فون و تا هر دو گوشش دستهای آرنج مکه بار بشوید و یک هم کند و آب در
تف دست گرفته جانب آرنج هم فرو ریزد اولاً از دست راست بعد از دست
چپ یک مرتبه مسح تمام سر کند یعنی هر دو کف دست را از آب تر کرده سر خضر
و خضر و وسط هر دو دست را متصل کرده از چین بر کاسه سترابن گردن
گشت که سر انگشتان بر سر ق سرگز زند پس سبها بار و ن هر دو گوش گذارد
و از نرنگشتان پشت گوشها مال و گردن را پشت انگشتان مسح کند از دست
جانب راست و از چپ سمت چپ و هر دو با مع شالنگ بشوید چنانچه با آب بریزد
و خضر غلط انگشتان پاکند که شروش از انگشت شمر پای راست باشد و خضر از
زیر قدم بالا آورد بعد همین طور قدم چپ را شسته خلال کند و این هفت عمل
پس در پی نماید تا آب یک عضو خشک نشود قبل از نوشتن وضو کردن
مستحب است آب وضو از کسی طلبیدن ممنوع نیست بعد وضو نگاه بسوی آسمان نگاه

سنت است که دست
و نیز وضو کند ده
فانک دارد ۱۲
سنت
مستحب است
شستن دست یک
و سبب است ۱۱
پیش از گشتان
باشد شستن آن
قد سلطان شمره
فوق است و سنت
مستحب و در شستن
بنای انگشتان
آن ضروری ۱۲
سنت است
دست بر سر
فوق است
سنت است
مستحب است

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب هو خير الأنبياء والمرسلين

مُحَمَّدٌ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْ مِنِّي

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ای ان کردی بگو تو به کرنے و انون سے اور کردی بگو

الْمُتَّقِينَ صَبِّحْكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَاسْتَغْفِرْكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ

یا کبریا و یا ذوالجلال یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین

سبق ششم در تیمم

چون تیمم بنام مقام وضو و هم غسل است و وقتها باشد که به وضو و تیمم افتد

مختصرش به بیان آید اگر آب نباشد تیمم برای وضو یا برای غسل کند یا آب در

پایه موجود است اما بر آوردنش ممکن نیست تیمم کند یا خوف جان و تنگی باشد تیمم کند

و در صحرا اگر آب چندان نجس کند که وقت نماز نرسد اگر احتمال فوت باشد تیمم کند

اگر در مرض خوف زیادتی مرض است یا زیادتی تکلیف تیمم جایز است و طریق آن

اینست اگر برای غسل میکند نیت غسل باید کرد و اگر برای وضو میکند نیت وضو

تیمم بنام مقام وضو و هم غسل است و وقتها باشد که به وضو و تیمم افتد مختصرش به بیان آید اگر آب نباشد تیمم برای وضو یا برای غسل کند یا آب در پایه موجود است اما بر آوردنش ممکن نیست تیمم کند یا خوف جان و تنگی باشد تیمم کند و در صحرا اگر آب چندان نجس کند که وقت نماز نرسد اگر احتمال فوت باشد تیمم کند اگر در مرض خوف زیادتی مرض است یا زیادتی تکلیف تیمم جایز است و طریق آن اینست اگر برای غسل میکند نیت غسل باید کرد و اگر برای وضو میکند نیت وضو

که وقت وضو هر قدر یکبار از عضو بایستی وضو جای خالی ماند خون در یکم که بر جلد بماند
بر آید از جای خود حرکت کرده با وقتی بیرون و خفتن و غنودن تکیه زده اما خفتن در
قیام ناز و در رکوع و سجده وضو را نمی شکنند و هر چنانکه موجب غسل است شکنند
وضو است و ندی و ودی و منی که بر آید و جنون و بیوشی همه ناقض وضو اند اما
گذاشتن نیت مسح بر موزه وضو را نمی شکنند مگر شستن با پا را واجب میکند

سبق هشتم در اذان و اقامت

یکی از سنن مکه اذان است که در صحرا و بیرون شهر و در مسجد یا مخصوص برای
فرض و در خانه شهر اگر گفته شود باک نیست اذان چیست با نگیست بالفاتحه مخصوص

که مومنان بر اجماعت نماز آگاه شوند چون وقت نمازی آمد حضرت بلال رضی الله عنه
اذان میگفت که پسندیده باری تعالی بود مومنان بروقت نماز مطلع شده در مسجد شریف

حاضری آمدند و بان حضرت صلعم نماز میگذازد و ندکه در اصل نماز باجماعت پس اذان آن

الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر

الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر

چهار بار پس اشهد ان لا اله الا الله دو بار پس اشهد

گوای دیتا چون من بکنیم کوفی مغفور الله
گوای دیتا چون

ان محمد رسول الله دو بار پس حی علی الصلوة دو دفعه

که تحقیق محمد رسول الله که این
آواز تپنی کو

حی علی الفلاح دو بار الصلوة خیر من النعم اما این

آویسلانی
نماز بهتر است

وقت صبح گفته شود نه در وقت دیگر الله اکبر دو دفعه

الله بزرگ

لا اله الا الله یکبار تمام شد مؤذن وقت اذان سیاهای خود در

نیمین کوفی مغفور الله
سورخ مانع هر دو گوش دارد و شونده را باید که هر چه مؤذن گوید

این هم گویان باشد اما بر حی علی الصلوة حی علی الفلاح

آواز تپنی کو
آویسلانی

لا حول ولا قوة الا بالله

نیمین برزگناه است و از قوت عبادت بر گرانند مدد الله
گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که گردنهای مؤذنان از من

بلند خواهد بود پس شنوند ازین بهر محروم نماند بعد ختم اذان این دعا بخواند
 اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الثَّامَةُ وَالصَّلَاةُ الْفَاتِمَةُ أَتِيَتْ مُحَمَّدٌ الْوَسِيلُ
 ای الله ای رب اس پوری که او را ای رب اس نماز قائم دی سردار جبار محمد کو رسید

وَالْفَضِيلَةُ وَالذَّجَّةُ الرَّفِيعَةُ وَابْتَعَتْ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي
 این یکی سب پر اور درجه بلند او بپای او که مقام محمودین که بسا توئی

وَعَدَنَّهُ وَازْدُقْنَا شَفَاعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْوَعْدَ
 وعده فرمایا او نصیب یکو شفاعت اونکی قیامت کن تحقیق تو نهی بدلتا وعده کو

و بهر چه خواهد و عاکنه که وقت قبول است بعد اذان برای اقامت جماعت اینقدر
 توقف باید که چهار گانه گذارده شود اما برای نماز مغرب توقف نباید کرد
 اکنون امام بجای خود قائم شود و موزن اقامت گوید یعنی تکبیر شروع
 کند و الا بر مقتدی که بروست راست امام باشد اولی است و چون تکبیر
 گفته شود برای نماز مقتدیان صف کشنده و چون قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
 گفته شود امام نیت نماز کند و اقامت همچون اذان است مگر بعد

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ دوبار گفته شود الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النُّوْمِ بَابُ
 گفت و چون قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ گفته شود شنونده گوید أَقَامَهَا اللَّهُ
 وَأَدَامَهَا وَبِالْفَافِ نَائِي دگر هیچ نگوید و مؤذن و مکبر فقط الله را دراز
 و دراز کند اما اکبر را نکند و در برابر کردن صفوف با اهتمام نماید و آنها را کج
 نباید داشت مقدم در صفها مردان اندای ستاده شوند بعد از طفلان
 پس از آن خنثی و عنین پستترین زنان چون امام تکبیر تحریمه گوید مقتدریان
 اقتدایش و ز نزدیک امام و سه مقتدری جماعت است اگر یک مقتدری باشد
 بیوست راست امام برابرش است یا بخیزی پسین از جماعت شخصی امام باشد
 که قرآن از همه بهتر خواند و مسائل نیکوتر داند و اگر شخصی امام شود که قرآن
 و مسائل چندان داند که از آنها نماز جائز باشد هم رواست

سبق نهم در بیان صفت نماز

نماز بر هر یومین عاقل بالغ فرض است هر که انکارش کند کافر است و هم اگر

آن حضرت صلوات
 علیه و آله فرموده اند

یعنی در بیان صفت
 و کار و دنیا و آخرت
 فروختن و وقت
 نقصان ندادن
 کرد ۱۷
 با تفسیر در وقت
 ضرورت نفس
 افتد

بقصد استیفاء و استینه روز ترکش نماید کافر کرد و شیخ فرض نیست که تا ترکش کافر گردد
 الا نماز بجز بوده مقبول حضرت رسول صلعم من ترك الصلوة متعمدا
 فقد كفر و نزد جمهور علما کفر نیست بلکه اعظم کبائر است پس نماز را محکم
 گیر چنانچه باری تعالی فرماید اقموا الصلوة پس قایم گردنش همین که بخوفه
 بر غیبت دل و با گسار تمام با اوقات حسنه و به تعدیل ارکان ادا کرده باشد و به
 هیچ وجه نگذارد اگر ایستادن نتواند نشسته بخواند اگر این هم نتواند بر قضا
 گذارد و در صحت و مرض در سفر و حضر در امن و اضطراب نماز گذارنش تنبیهست
 و نماز را بر آن طور ادا نماید که آن حضرت صلعم ادا میفرمودند یعنی بعد از اذان اقامت
 ایستاده شود بر سر دو قدمها و هر دو پا را برابر دارد به تفاوت چهار انگشت نیست کند
 نیت میکند برای چهار یا دو رکعت فرض وقت صبح یا ظهر و غیره
 پس این امام اگر مقتدی باشد برای امامت برای الله تعالی گفته و فهمیده هر
 دو دست تا نرنگوش برداشته تکبیر تحریمه یعنی الله اکبر گویان زیر ناف
 بند و چنانکه دست چپ زیر دهنست راست باشد و از حضرت و نماز انگشت راست

نزد امام عظمی وقت
 الد علی

نیت و تکبیر
 فرض است

بجز قضا و نذر و کفایه

فرض همین است
 کفایه و نذر و کفایه

در وقت اذان و اقامت
 از زبان بر آوردن

این کلمات نزد
 بعضی مستحب است

یعنی تکبیر باشد
 نیت بر آن وقت

کند

مقتدی را نیت
 اقتداء امام حاضر
 الوقت را امام را

نیت امامت ضرور
 است

مستحب است

حلقه زند و زن وقت نیت برود دست تادوش بر داشته بر سینه بندد

این چسبیت از همه کار ظاهری و باطنی دست برداشتن و دل بکارش آمیختن است

و ہمیں گفتن کہ خداوند اتوازمہ بزرگ و برترستی و من بندہ حقیر و مست پیش تو

آمده ام و بر کسی و بر هیچ جانب نظریه اندازد و انتقادات نکند و بر جای سجده

فطر دارد و عجیز و فروتنی ایتاده باشد بدین طور ایتادان چسبیت

پیشکش منشاہ حاضر شدہ عرض معافی بہت از تقصیر و گناہ خود بدین سبب

در ابتدا قیام تسبیح گفته میشود و آنرا شما گویند الفاظ آن این است

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ

جبرائی اور شرعی پاک ہائی اللہ اور ساتھ تعریف تیری جو کسی کو نہیں لگتی اور بزرگ، نام تیرا اور ملک و مقرر تیرا

وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ ۚ أَعْقُدْ يَا اللَّهُ مِنَ الشَّيْطَانِ

نہیں کوئی معبود سوا تیری پناہ مانگتا ہوں میں ساتھ لڑے جہان کے شیطان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرع کو کرنا ہوں میں ساتھ نام اللہ جو بڑا مہربان نہایت رحم والا ہے

ان کا ترجمہ

۵۴
کونسا تعریف

۵۵
نہایت عظیم
دورین مقام کمال
علیہ السلام و آلہ
میں مذکور

۵۶
کونسا تعریف
و تعریف
جو اس پر ہے
ایک کلمہ
پہنچیں

۵۷
ایک وجہ سے

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۝ مَا لِكَ
 سب تعریف اللہ کی جو صاحبِ جہاں بڑا مہربان نہایت رحم والا مالک انصاف
 يَوْمَ الَّذِينَ ۝ يَا لَكَ نَعْبُدُ ۝ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۝ اهْدِنَا
 دن کا تجھی کو ہم عبادت کرتے ہیں اور تجھی سے مدد پڑھتی ہیں ہم دکھا دیں کہ
 الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
 راہ سیدھی راہ اون کے جن پر تو نے احسان کیا اور ست دکھا دیا اون کا
 غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝ آمِينَ ۝
 کہ جسکے چلنے والے پر غضب نہ ہو اور نہ گمراہوں کا راستہ دکھا ایسا ہی ہودی اے اللہ
 آمین مخفی گوید و بروقت خواند نش دل پر معنی گمارد و بعد فاتحہ در دو رکعات
 اولیٰ فرض یک آیتہ کلان یا سئلہ آیتہ خوردا میزد یعنی اول سورۃ فاتحہ و بعد
 سورۃ دیگر خواند اما در رکعات آخری صرف فاتحہ خواندن کافیست و در نماز
 سنت و نفل در ہر رکعات آمیزیدن واجب است چون از بہترین سورۃ ہا خوردا
 سورۃ اخلاص است لهذا در پنجا نوشتہ می آید سورۃ اخلاص
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝
 کہہ دو ای محمد صلوات اللہ علیہ ایک ہے اللہ بے نیاز ہے

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

نہ ام سے جنم نہ اور نہ وہ جنم کیا۔ اور نہیں اس کے جوڑ کا کوئی

یا چیز ہو گی کہ اس سورہ یا آیت آمیزد اما کم از مقدار مذکورہ نباشد پس رکوع

یعنی اللہ اکبر گویند و فرمودند از چند انگہ و پشت برابر سرین باشد

کہ چون تختہ باشد و با هر دو دست زانو را محکم گیرد و نظر بر پائی خود دارد و

خفیه خواند **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ** این از بالا افتادن حسیت

بدان کہ چون مدعا صورت اجابت گرفت داعی بخوابش زود

قبولیت اظهار نمائند و پشت خم ساخت و گفتن آغاز کرد کہ پرورنده

برتری و پاک از همه بدی اگر سُبْحَانَ در فضل زیادہ از سبب حساب طاق

خواند بہتر است پس **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** بطور مذکور گفتہ قومہ کند یعنی

از رکوع برخاستہ قایم شود و دستہا بلند و چون امام سمع اللہ گوید

و همچنین منفرد بعد سمع اللہ خود **رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ** خواند و اگر

حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا قَدِيمًا بعد ربنا لک الحمد بفرماید

۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

هم خوب است و اگر امام هم این حمید را گوید نزد بیاری از علما مستحب است
 چون بلندی درجه بود باشد داعی حیران شده سر برداشت که خواب است
 یا بیداری گجا من بنده هیچ کاره و گجا این درجه مقربانه و بعد وقفه چو این متیقن شدم
 بر زبان خود کلمات شکر و دعا می راندم و چون اینجاء درجه قبولیت پیدا یافت
 سرش گرانه بر زمین عجز انداخت این است قومه و سجد و چنان رود که
 اول هر روز از نو بر زمین رسند و باز هر دو کف دست باز سردر میان هر دو دست
 نه یک چنین و بینی هر دو کف را گیرند نظریه بینی افتد و انگشتان قبله رو باشند
 از پنجاه و شکم از فخذین و زمین غلنی باشند و زن این هر سه عضو را
 چسباند و خواند سه بار خفیه ^{سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى} گویا نبربان
 حال میگوید که تو پاکی و پیروزنده برتری از من کمترین هیچ نیاید جز اینکه خود را
 بخاک آغوشم اگر تکرار تسبیحات بحساب طاق کند زیاده اولی است و فهمد که
 بچک برابر او نیست و من و همه پیش او نهایت عاجز اند و همین خضوع است
 اکنون الله اکبر گویان سر بردارد و دوزالو نشیند که پنجه پای راست

۹
 و بعد از
 سجد و چنان
 رود که

۹
 و بعد از

۹
 و بعد از

ایستاده باشند و انگشت هایش قبلاً بر زمین باشند و پنجه چپ زیر خود
گستراند و نظر و هر دو دست بر خدین دارد و انگشتان قبلاً بر زمین هر

دو قدم خود و جانب راست بیرون گذارد این را جلسه نامند و بخواند

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي

ای الله بخش دی گناه من و مرا مهربان شو و منرا هدایت کن و روزی دی بجزو

وَارْزُقْنِي وَاجْعَلْ لِي

اور مرتبه دی بجزو اور نقصان من بجزو

این شکرانه ادا کرده باز بدعا پر داخته هر روز رزق و عزت میخواهد اکنون چون شایسته

قبول پیدا شده نتوانستن شستن دگر باره افتاد و چنین نیاز

بر زمین نهاد پس همین طور سجده دیگر نماید این هر دو سجده فرض اند باید

که هر دو را پله در پله کند این یک رکعت شد همه رکعات باین طور ادا کند چون

دو رکعت با تمام رساند پیشین بهمان صورت که در جلسه بوده و بخواند بجزو

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

عزیز ترین بزرگوار است الله این اور دعا جزی کی اور ادا بکنیز سلام بپوشی آنجو

إِنَّمَا إِلَهُ الْبَنِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای بنی رحمت الله کی اور برکتین او کی سلام همه

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ۚ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۖ

اور اوپر سے لہجین بندگان خدا کے

میں گواہی دیتا ہوں کہ کوئی ملحق عبادت نہیں

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ۝

اور گواہی دیتا ہوں کہ محمد مصطفیٰ اس کے ہیں اور رسول اس کے

اکنون قابلیت نشستن حاصل کرد تا بگوید این کلام که شب معراج با هم یگانه

و محبوب کے ہمتا و رمیان آمدہ بود پس بدان کہ ناز بر لبی ہر یکی ازین است

بدین معنی است مصلی را باید که خود را بحضور آن تعالی داند و این را قاعده اولی

گویند اگر نیت چهار رکعت بود و در رکعت و قعده را شفعه نامند پس اگر نیت

برای اصلاح کانه است بزخیر و تکبیر گویند که شروع یکدوازدهمین جاناتان که

راست شود و قتی که تعداد رکعات موافق نیت تمام شود پیشیندگان این را

آنچه را مندا بنی بعد از هدیه التیمات و در دما با و شامل کند و در دما این

این را ابراهیم مخفی خواند اللهم صل علی محمد وعلی

ای اے اللہ درود بھیج اوپر محمد و آلہ محمد کے اور اوپر

الٰہی محمدؐ کیا صلیت علیٰ ابراہیمؑ
 اولاد محمدؐ کے جیسے کہ رحمت پہنچی تو آپؐ ابراہیمؑ علیہ السلام کے

وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ۝

اور اوپر آل ابراہیم علیہم السلام تحقیق تو اصلی تعریف کیا گیا بزرگ ہے

اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ

ای اللہ برکت نازل کر اوپر محمد صلعم کے اور اولاد محمد صلعم پر جیسے کہ برکت نازل فرمائی تونی

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ۝

اوپر ابراہیم علیہ السلام اور اوپر اولاد ابراہیم علیہم السلام بیشک تو تعریف والا بڑا ہے

واین درود پاجیست تو گوئی کہ چون فرشتگان این سوال و جواب کہ لیل

نهایت مرتبہ است بشب معراج دیدند بہ تعریف آن صلعم مشغول شدہ

بودند اللہ برای ہر یک مصلی صد نازیس وقت است کہ ہر التجار و

پذیرائی یا بد چون از کمال تحمید گوناگون فاسخ شدہ و پس آن درود

بر سید المرسلین ادا کرد وقت اجابت دعا حاضر شد پس مناسب آمد کہ

در این چنین موضع مشغول بدعا شود و بہترین ازینہا این است

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

ای ہمارے دے ہماری دنیا میں بھی رزق اولاد نیک اور دی بچ آخرت کی

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ بِإِذْنِ اللَّهِ هَذَا الصَّلَاةُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ

نیکی کہ دیدار و فضل ہے اور بچا ہمکو عذاب دوزخ سے سلامتی ہو اوپر تمنا رہی اور رحم

اللَّهُ كَوَيْدُ وَجَانِبِ رَاسْتِ سِرْگِرْدَانْدِ بَارِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

سَلَامَتِی هُوَ اَدِیْرَتَمَارِکِ اَوْ رَحْمَةُ اللَّهِ

کَوَيْدُ وَجَانِبِ چپ سِرْگِرْدَانْدِ اَکْثَرُ نَمَازِ تَمَامِ شَدِ چُونِ بَعْدِ سَلَامِ

نَازِ فَرَضِ وَقْتُ اجَابَتِ دَعَا سَتِ بَایَدِ کِهْ بِخُشُوعِ وَخُضُوعِ بَدِ عَامَشْغُولِ شَوُ

و بِهَرِ چَوَایِ طَلَبِ دَا اِنْچِهْ لَایِقِ شَانِ اَنِّ تَعَالٰی شَانِهْ بَاشَدِ اِیْنِ سَلَامِ

بِرِ فَرِشْتِگَانِ وَا اِمَامِ وِ مَقْتَدِیَانِ اِسْتِ کِهْ اِمَامِ بِرِ مَقْتَدِیَانِ وِ فَرِشْتِگَانِ

سَلَامِ کَوِیْدِ وِ مَقْتَدِیَانِ بَرِ اِمَامِ وِ فَرِشْتِگَانِ وِ مَقْتَدِیَانِ دَرِ سَفَرِ ظَهْرِ وِ عَصْرِ

وِ عِشَاءِ وِ دُورِ رِکْعَاتِ بَایْدِ نِخَوَانْدِ اَنْرَا نَازِ قَصْرِ کَوِیْنِدِ

سَبْقِ دَهْمِ دَرِ تَعْدَادِ رِکْعَتِهَا یِ نَمَازِ

پَنْجْگَانِهْ اَزِ فَرَائِضِ وِ سُنَنِ وِ نَوَافِلِ

دَرِ نَاصِحِ چِهَارِ رِکْعَاتِ اِنْدِ اَوَّلِ وِ سُنْتِ اِنْدِ بُوکُوهْ کِهْ ضَرُورِ نِخَوَانْدِ چُنْدَا کِهْ اِگَرِ عِجْتَ

صَرَفِ اَمِیْدِ یَافْتَنِ یَکِ رِکْعَتِ دَارِ قَاطِعِ اِیْنِ تَرِکِ نَهْ نَایْدِ اِمَا اِگَرِ وَقْتُ تَنَگِ بَاشَدِ

اِیْنِ رَا تَرِکِ کَرْدِهْ صَرَفِ فَرَضِ اَوَا کِنْدِ وِ سُنْتِ بَعْدِشِ ضَرُورِ نِیْسِتِ وِ دُورِ رِکْعَتِ فَرَضِ

اِمَا دَرِ فَرَضِ اَوَا بِجَهْرِ عَیْنِ قَاطِعِ وِ سُورَهْ رَا بَا وَا زِ ظَاهِرِ نِخَوَانْدِ اِگَرِ تَنَهَا بَاشَدِ نِخَوَانْدِ بِجَهْرِ کِتْمَانِ

دَرِ ظَهْرِ دُوازْدِهْ رِکْعَاتِ اِنْدِ اَوَّلِ چِهَارِ سُنْتِ پَسِ چِهَارِ فَرَضِ اِنْفِخَا بَارِ دُورِ رِکْعَتِ

سنت پس دو نفل اگر جماعت ایستاده باشد چهار رکعت سنت اولی را تأخیر
 کرده فرض و جماعت در یابد و بعدش این چهار گانه را ادا نماید اگر وقت
 تنگ باشد فرض اول بخواند بعد این چهار و دیگر را اگر وقت خارج
 شده باشد و الا سنت قضا کرده نمی شود و وسنت فجب تفصیل است
 نماز جمعه که وقتش وقت ظهر است فرض است بر هر مرد صحیح و مقیم
 شروطها نیکه برای ادایش باشند شش گانه اند که از آنها یک جماعت است
 که بدوش نماز جمعه ادا خواهد شد یک خطبه است که آنحضرت صلعم بدو
 خطبه میخواند اگر خطبه حاضر نباشد این تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر
 بَلِّحَانَ اللَّهِ وَاحْمَدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
 پاک است الله سبویون او رب تعریف آن گواور کی معبود حق نیست یکی ایستاده و او را دست برافراشته
 قائم مقام خطبه خواند شود در میان هر دو خطبه وقفه خفیفه باید و بغیر وسنت بر دوش
 دعا نماید که وقت قبول است چون امام بر منبر آید بانگ برویش گفته آید و مردان
 به صف در نشینند و الا خطبه خوانده شود بعد نماز جمعه دو رکعات با هر رکعات
 نماز جمعه و از ده باید خواند اول چهار سن بعش دو گانه جمعه با جماعت بعد
 دو سن دیگر و درین زمان که علماء در وجود شروط ادای جمعه درین دیار اختلاف اند

چهار رکعات فرض بنیت احتیاط جمعا و اگر در نیت است اما در هر چهار رکعات
 فاتحه و سوره خواند این نهاد و از ده رکعات شدند در عصر چهار رکعات اند
 فرض با چهار اما اگر پیش آنها چهار یاد و رکعت سنت خواند شو بهتر است در مغرب
 مغرب هفت رکعت اند اول سه گانه فرض با چهار منفرده خواند خواه هر یک یا اختفا یا
 دو سنت و دو نفل باز اگر چهار رکعات یا شش نفل بر دو رکعت بیک سلام ادا نماید
 نیکوتر است و چهار رکعت بیک سلام هم جائز است و نام این نفلها صلوٰۃ او این^{است}
 در عشا اگر اول چهار نفل خواند بهتر است بعدش چهار گانه فرض ادا نماید اما با چهار
 و تنها هر گونه خواهد بود بعد از آن دو رکعت سنت بر خواند و تر خواندن واجب و قش
 در وقت عشا اقامع لحاظ ترتیب پس باید که بعدش سه گانه و تر ادا کند و بعدش
 دو نفل خواند و بهتر است که این را شسته خواند چون بنده این رکعات عشا را با چهار
 ادا کرد و گویا که همیشه در عبادت گذاشت اما اگر عشا چهار نفل پسین ادا نماید و
 آنجا کند بر چهار فرض و دو سنت و سه گانه و تر بعدش دو نفل هم کافیست
 و باید دانست که و تر سه رکعات بیک نیت با خفا و تر است بعد و رکعت قعدہ کند

و در رکعت سوم بعد فاتحه و سوره رفع یدین کرده دعای قنوت مخفی خواند و بعد از

رکوع کن و قعدا خیره کرد دستہ گانه با تمام رساند رفع یدین این است که مرد و دست

تکبیر گویند تا نزد گوش برداشته بند دینا که در تکبیر تحریمه گشت در رمضان شریف

و ترابجاعت و هر سه رکعات با جهر خواند و قنوت مخفی و دعای قنوت این است

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَيْنُكَ وَلَسْتَ تُغْفِرُكَ وَتُؤْمِنُ بِكَ وَتُؤْمِنُ عَلَيْكَ

ای اله تعالی تو چشمی هستی و تو را غفرت نیست و تو ایمان کنی و تو ایمان کنی بر من

وَنَنْتِي عَلَيْكَ أَحْيَا وَتَشْكُرُكَ وَلَا تَكْفُرُكَ وَتَخْلَعُ وَتَنْتَرِكَ

و تو مرا بر تو زنده کنی و تو شکر کنی و تو کفر کنی و تو خلع کنی و تو نترکی

مَنْ يَفْجُرْكَ اللَّهُمَّ يَا كَلْبُ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَلَسْجُدُ

کسی که تو را فجر کند ای اله تعالی ما تو را عبادت می کنیم و ما را تو را تسبیح و سجده می کنیم

وَالَيْكَ نَسْتَعِي وَنَحْنُ وَرَجُو رَحْمَتِكَ وَخَشْيَتِي

و ما را تو را استعین و ما را تو را رجو رحمت تو و خشی تو

عَذَابُكَ إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ

عذاب تو ای اله تعالی عذاب تو با کفار ملحق است

سبق یازدهم در بیان بعضی فرضیه

جائز است همیشه ساز و در ریل اگر ایستاده باشد تکلیف نیست اما وقتی که روان
 باشد در اد کردن نماز اگر برای قیام ریل انتظار کند بهتر است اگر خوف باشد
 که در انتظار وقت از دست میرود باید که نماز گذارد و احتیاطا بعد فرود
 آمدن از ریل قضایش کند برای نماز فرض قبله متعین کرده نیت کند بعد
 اگر ریل برگردد مضائقه ندارد خود هم برگردد و بر آن فصل بر سوار بیرون
 از شهر تعیین قبله ضرورت نیست متغیلات است که ایستاده گذارد یا نشسته
 از نمازهای واجبه نماز عید الفطر وضحی و تراویح در رمضان
 شریف تا یک ختم قرآن مجید است نماز عید الفطر وضحی و دو رکعات
 باشش شش تکبیرات اند برای شان نیت کند که نیت میکنم
 برای نماز عید الفطر یا عید الضحی
 باشش تکبیرات باقی رائی این امام بعد تکبیر
 تحریمین خوانده سه تکبیرا گوید چنانکه بر هر تکبیر رفع یدین کند

اما در میان تکبیر یا برسد و این چهار تکبیرات شدند اکنون دستها بلند
 و نماز شروع کند و قبل رکوع شائسته سه تکبیرات گوید چنانکه در رکعت
 اولی گفته شد بعد چهارم تکبیر گویان رکوع کند بعد نماز پرستور تمام کند
 و بعد نماز خطبه است نماز تراویح بست رکعات اندبده سلام در ماه
 رمضان شریف در وقت عشا تا ختم قرآن مجید سنت موعده است که حضرت عمر
 رضی الله عنه بر تارک آنها حکم جهاد فرموده اند چنانچه وقت اند که در آن
 نماز و سجده منع است و آن وقت طلوع و زوال و غروب
 آفتاب است مگر عصر آن روز و در میان نماز عصر و مغرب چند وقت اند که در آن
 نفل گذاردن بسیار ثواب دارد یکی بعد نیمه شب یا بعد دو ثلث شب تا صبح
 صادق تهجد است که آنحضرت صلعم گاهی ترک فرموده این از دوازده
 رکعات تا چهار رکعات است و بعد یک نیزه بر خیزدین آفتاب
 چهار گانه نفل است چنانچه نماز فجر خوانده در ذکر مانند و تا این چهار گانه
 ادا نکرده باشد در شغل و نیامیسنه نماید تا ثواب یک حج

و عمره یا بدین را اشراق گویند و بعد یکپاس روز چهارگانه دیگر است
 که چاشت نامند توفیق رفیق یاد که این همه ادا کرده آیت چهارم رواست و در
 همه نوافل در شب نه در روز نماز و شب ناهشت رکعات به چهار قعه یک
 نیت رواست اما در روز از چهارگانه نفل بدو قعه و یک نیت جائز نیست مقتدی
 در هر نماز خاموش ایستاده قرآن امام شنود و قرآن خواند اما اگر فاتحه خواند
 خوب است که آنحضرت فرموده اند لا صلوات الا بفاتحة
 الكتاب و اقتدای امام کن و در هیچ رکعت پیشی نگیرد
 در نوافل شب بغیر تداعی و در قضا هم امامت رواست

سبق دوازدهم در شرکت جماعت

یعنی وقتی که جماعت قائم است یا شخصی فرض ادا میکند و کسی باینها شرکت
 میجوید او را باید که بگیر گوید و شرکتش شده اقتدای امام کن اگر امام پیش
 جماعت ایستاده باشد این یعنی مقتدی یا مسبوق در صف یا سترو و سبحان
 اللهم خواند و قتی که امام نماز تمام کند و سلام دهد مسبوق مقتدی

را باید که بدون سلام بر خاسته باقی نماز را با تمام رساند بدین طور که اگر
 از رکعات اولین ترک شده باشد آنها را با فاتحه و سوره خواند و اگر از
 شفعه آخری پیش مانده بلا سوره تمام نماید اگر شخصی تنها در نماز باشد مسبوق را
 باید که وقت شریک شدن تکبیر یا هر گویند تا مصلی آگاه شود و نیت اقامت
 کرده مسبوق را مقتدی خود گرداند و بر دست راست بچیزی پس ایستاده شود
 اگر این شخص تنها که امام گرفته شده است بوقت رکن او شخص سابق
 تکبیر بجز گویند معلوم شد که فرض ادا نماید پس با اقتدایش پردازد و اگر
 تکبیر مخفی گفت معلوم شد که فرض نیست اقتدایش گسلد و اگر امام در رکوع است
 یا در سجده و غیره باید که مسبوق نیت کرده بر دست بلحج بر بسته در همان رکن
 شریک شود که امام در ویست و هرگز انتظار قیام امام نکشد و قتی که مسبوق نماز
 بقیه خود را ادا کردن شروع نماید در اولش ثنا خواند اگر یک مقتدی باشد و دیگر
 نیز شریک شود باید که پس امام بعد نیت اول را کشد و هر دو برابر
 پس امام ایستند و یا مقتدی نو برابر مقتدی سابق ایستند

وامام البته بجای خود پیش قدمی کند و همچنین بهت میست

سبق سینودهم در سجده سهو

آن دو سجده کردن است با تشهید و درود و دعا یعنی بعد از تشهد یک سلام
گرفته دو سجده کن و بعد از تشهد و درود و دعا خوانده نماز تمام کن
در نماز که سجده سهو لازم شود اگر ادا کنی اصل فرض از ذمه ساقط شود
لیکن عاده آن نماز بر ذمه واجب نمی ماند و آن در تأخیر رکن فرض و در ترک
واجب واجب می شود و تأخیر فرض آن است که مثلاً بعد یک رکعت بقدر
ادائی یک رکعت یا نه یا ده یا بیست سجده سهو کند یا در قعده اولی عجله
خواندن تشهد برابر غاسق تأخیر کرده و درودنا اللهم صل علی محمد
خواند سجده سهو کند ترک واجب آنست مثلاً ترتیب ساقط کردن و یا
سوره قبل فاتحه خواند یا سجده بر رکوع مقام ساخت یا بقیه
سوره نیامیخت یا قومه یا جلس یا قعده اولی نکرد یا نماز بلفظ السلام
تمام نکرد این صورتها سجده سهو کند و از اینها یک خطا باشد

یا زیاده سجده سهو یکبار کرده خواهد شد اگر تسبیحات رکوع و سجود دعائی قیومیه باشد
و تشهد و درود که خفض اند با و از سهو می بر خوانند اگر قنات خفی را یا بجمهر
یا بهری را با خفا داد اگر قلیل یا کثیر سجده سهو کند سجده سهو
لازم نباشد البته در هر تشهد بعضی فقها بلزوم سجده سهو قائل اند

سبب چهارم در فساد و مکروهات نماز

فساد اگر ترک کرد فرضی یا زائد کرد عملی که منافی نماز باشد نماز فاسد شد مثلاً
قیام یا رکوع یا سجده یا تعدیه آخری نکرد یا فیه نماز فاسد شد یا در سجده
انگشتهای بر دو پا از زمین برداشت یا مجنون شد در نماز یا بعد حدث کرد
نماز فاسد شد یا سرو سینه از قبله برگردید یا تحنن یعنی آواز از خلق بر آید
صاف کردن صوت که از حروف اُح اُح بلا غدر و بلا غرض صحیح کرد
یا حرکت کثیر کرد نماز فاسد شد حرکات کثیر حرکات پنهانی اند یا
حرکتی که نمازی آنرا کثیر گمان کند یا در نظر بیننده معلوم شود که حرکت کند
در نماز نیست و این صحیحترین اقوال است مکروهات در نماز بر یک پایستادن

و پارچه پوشیدن حقیر و ذلیل یا وجود بودن پارچه خوب و عزیز و یا آبرودار بودن
 داشته گوشه‌هایش را کردن و نماز را در شدت حاجات ضروری یا در اشتها
 سخت طعام و آب با وجود حضوری آن ادا کردن چشم پوشیده یا برهنه
 سر نماز گذاردن اگر تواضعاً نباشد و خاک و خاشاک از جا
 سببی و صاف کردن مکروه است اگر یکبار بجهت ضرورت باشد مکروه نیست

سبق پانزدهم در نماها و عملها

باید که بعد نماز بدعا مشغول شود هر چه که لائق خواستن از ان بارگاه باشد
 بر جوع قلب است دعا نماید که دعای مومن قبول است در دنیا اگر ظهور نیابد
 در آخر ضرور اجر عظیم بدست آید و خاص اوقات قبول این است بعد نماز ^{صبح}
 و در ثلث آخر شب و در میان شستن امام بر ممبر برای خطبه نماز جمعه تا ختم نماز
 و در میان ماه رمضان مبارک خصوصاً وقت افطار وقت غروب بر جمعه در مرض و
 در سفر و غائبانه برای غایب ظهورش بر وقت مقرر در علم الهی موقوف و نیز شش ^{سبت}
 مشروط ادعیه که در قرآن مجید و فرقان جمیع

آئندہ ان بہتر اندر خوب و مرغوب بندہ دیکھا لاؤاخذنا ان نسينا و
 اخطانا ربنا ولا تحمل علينا افعالنا كما حملته على الذين
 کریمے ای رب ہمارے ڈال اوپر ہمارے جو جہم جیسا کہ کہا تونی او سکھ او پر ادنی

من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقه لنا به واعف
 جو مجھے پہلے تھے ای ہمارے اور تم کہہ دو امیر و شیر کی جسکی ہم میں طاقت نہیں اور معاف کر

عنا و اعفر لنا و ارحمنا انت مولانا فانصرونا على القوم
 ہم سے اور شمش کروا ہمارے اور رحم کر ہم پر تو کار ساز ہمارے پس مدد کر ہماری قوم

الکافرين ۵ دیکھا لاؤنغ قلوبنا بعد اذ هدینا
 کافر و غیر ای رب ہمارے تیرے کہ ہمارے دل کو بھی اس کے کہ ہدایت دی تو نے

و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ۵
 اور دی تو نے ہم کو اپنی پاس سے رحمت بیشک تو بڑا ہی دینی والا ہے۔

ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا
 ای رب ہمارے ظلم کیا ہم نے اپنی جانوں پر اگر نہ بخشے گا تو ہمارے گناہ

وَرَحْمَتَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ رَبَّنَا إِنَّا

اور نہ رحم کر لگا رہیں بیشک ہم ہو جائیں گے تباہ دنیا و دین میں ای پالنے والی ہمارے تحقیق

سَمِعْنَا مَنَادًا يَقُولُ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اٰتُوْا بِلِقَآءِ رَبِّكُم مَّا تَعِدُوْنَ

سننا چارہوا لے کو کہ ایمان کہ طرف پکارتا کہ ایمان لاؤ اپنی رب پر پس ایمان لاہم

رَبَّنَا فَاعْفُ عَنَّا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا

ای رب ہمارے گناہ اور دور کر ہے برائیاں ہماری اور مار ہو

مَعَ الْاَبْرَارِ ۝ رَبَّنَا وَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ

ساتھ نیکوں کے ای رب ہماری تو ہو کہ وہ چیز جس کا تو نے وعدہ کیا ہے اپنی رسولوں کی

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۚ اِنَّكَ لَا تَخِيفُ الْيَاسِعَ

اورت رسوا کر ہو کہ دن قیامت کے تحقیق تو بدلتا نہیں ہے وعدہ

رَبَّنَا اَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآٰخِرَةِ

ای پالنے والی ہمارے دی ہو کہ دنیا میں نیکی اور آخرت میں

حَسَنَةً وَفِيْٓ اٰبَآءِ النَّارِ ۝ رَبَّنَا تُقْبَلُ

نیکی اور بچا ہو عذاب دوزخ سے ای رب ہمارے قبول کر

مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ واین غیر از قرآن دعائے

ہمیں ہماری کام تحقیق تو سننی والا جانتی والا ہے

ماثورہ است اللہم صل علی سیدنا محمد وعلی

ای اللہ درود ہے اوپر سردار ہمارے محمد صلعم کے اور اوپر

آل سیدنا محمد صلوة تجئنا بها من جمیع

اولاد سردار ہمارے محمد صلعم کے وہ درود کہ نجات دی تو ہمارے ہر کسی پر برکت تمام مشیتوں

الاهوال والافات وتقضي لنا بها جمیع

دنیا اور آخرت اور دارین کی آفتوں اور پوری کربماری ہر کسی کے واسطے تمام

الحاجات وتطهرنا بها من جمیع السيئات

دونوں جہان کی حاجتیں اور پاک کر دے ہمارے ہر کسی پر برکت سب برائیوں سے

وترفعنا بها عندك أعلى الدرجات و

اور بلند کرے ہمارے ہر کسی پر سب اپنی نزدیک بلند ترین درجات میں اور

تبلغنا بها أقصى العالیات من جمیع الخیرات

پہنچا ہمارے ہر کسی پر برکت سب نہایت مطلوبہ تمام بہائوں سے

فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

مبارک زندگی کے اور پیچھے مرنے کے آخرت میں تحقیق تو اوپر ہر چیز کے

قَدِيرٌ ۝ وَدَيُّكَ خَبِيرٌ ۝ اَللّٰهُمَّ اَعْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ

اللہ کبیر والا اے اللہ بخش دی مجھ کو اور میرے والدین کو

وَالْوَالِدَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

اور میری ماں دادیوں اور مسلمانوں اور مسلمانوں کو

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ اَللّٰهُمَّ اَعْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ

اے تو سنی والا قبول کرے والا دعاؤں کا ہے

بَلَدٌ كَثِيرٌ ۝ اَللّٰهُمَّ اَعْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ

ایک بڑا ملک ۝ اے اللہ بخش دی مجھ کو اور میرے والدین کو

وَالْوَالِدَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

اور میری ماں دادیوں اور مسلمانوں اور مسلمانوں کو

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ اَللّٰهُمَّ اَعْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ

اے تو سنی والا قبول کرے والا دعاؤں کا ہے

وَالْوَالِدَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

اور میری ماں دادیوں اور مسلمانوں اور مسلمانوں کو

۱۰
ابن راضی

۱۱
از بودا و دیا

۱۲
چند شخص

۱۳
پارسیوں کی

۱۴
کسی کے

۱۵
کتابت

۱۶
کتابت

۱۷
کتابت

۱۸
کتابت

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ

اوں کا ایسا جو شفاعت کرے اوسے حضور میں مگر اوس کے حکم سے وہ جانتا ہے

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

وہ شی جو آگے اوں کے ہے اور جو پیچھے اوں کے ہے اور نہیں گہیر کتے لوگ

بَشِيرٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ

کچھ اوس کے علم سے مگر جس قدر روٹی چاہا گہیریا کرسی یعنی بادشاہی اوس کے لئے تیار

وَالْاَرْضِ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

اور زمین کو اور نہیں تھکاتی اوس کو نگہبانی اونکی اور وہ ہے بلند مرتبہ بڑا

تمام شدہ دیکھیں یہ کہ از ثواب اور زمین و آسمان پر شونہ شکر ان اللہ

سے ۳۳ بار اَحْمَدُ لِلّٰہِ ۳۳ بار اَللّٰہُ اَکْبَرُ ۳۳ بار ۳۳ بار بار بعد

ہر نماز فریضہ وہم وقت خواب بخواند بِسْمِ اللّٰہِ الَّذِیْ لَا

يُضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ

کہ نہیں نقصان پہونچا سکتے اوس کے نام ساتھ کوئی چیز بیخ زمین کے ہو یا بیخ آسمانوں کے

۵

انسانوں میں ان کو کوئی اس کو نہیں ہاں بعد نماز فریضہ وہم وقت خواب بخواند بِسْمِ اللّٰہِ الَّذِیْ لَا يُضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ

مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

کہ جس کو تم پوجتے ہو اور نہ تم پوجنی والے ہو جس کے میں عبادت کرتا ہوں

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ

اور نہ میں عبادت کرتا ہوں اور نہ تم عبادت کرتے ہو اور نہ تم عبادت کرتے ہو

مَا أَعْبُدُ إِلَّاكُمْ دِينُكُمْ دِينِي دِينَ هُ

جس کی میں عبادت کرتا ہوں تمہارے لیے دین تمہارا ہے اور میرا واسطے دین میرا ہے

اگر این سورہ چہار بار بخواند ثواب سالم یک قرآن یا بدو بخواند بعد مغرب

و فجر سورہ اخلاص ستر بار کہ ثواب یک قرآن شریف است یعنی قل ہو اللہ

تا آخر بخواند معوذتین ستر بار یعنی سورہ فلق و سورہ الناس

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ

گہما گہما صلیحہ پناہ پکارتا ہوں ساتھ پناہ پکارتا ہوں اوس چیز کو اوسنی پیدا کی اور برائی تو ان کی

غَاسِقٍ إِذْ وَقَبَ هُ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

رات جس وقت ڈانکے اور برائی پھونکنی والیوں پنج گروہوں کے

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَهُ قُلْ أَعُوذُ

اور برائی حسد کرنے والے سے جسوقت کہ حسد کرے کہہ دے محمد صلوٰۃ علیہ و آلہ وسلم پناہ مانگتا ہوں میں

يَرْبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ

ساتھ پالنے والے لوگوں کے بادشاہ لوگوں کے معبود لوگوں کے

شَيْءٍ لَوْ سَوَّاسٍ الْخَنَاسِ هُ الَّذِي يُوسُّسُ

برائی و سوسہ ڈالنے والے چھپتے جانے والے سے وہ جو سوسہ ڈالتا ہے

فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ هُ

پنج سینوں لوگوں کے جنوں میں یا آدمیوں میں

از آئینہ ناریجا ہشت عدد و طیفہ ہست بعد نماز مغرب و صبح بمقدار مذکور

ہر روز بلا ناخن بخواند تا از ہمہ بلیات و آفات دنیوی و اخروی اوقتا

مامون دارد ان شاء اللہ تعالیٰ

نصائح حمیدہ و اخلاق پسندیدہ سے فائدہ

اسعدک اللہ تعالیٰ فی الدارین شرک بخدای پکارتیسا

و مادر را رحمتی بزرگ از منم حقیقی شما که او را باعث سیات شوگر دانید
و در تکیه بی مادر ترا تو اب حج و عمره و جهاد بخشیده **ع** جنت که رضای
مادران است **+** در زیر قدم مادران است - حکم پدر بجا آر و پیدا
باش که گاهی جور بلفظ آن هم با ایشان از تو نرسد - و بدان که رضا
ملک حقیقی بر رضای ایشان است - نماز پنجگانه را بپادار و به هیچ حالت
نگذار **ع** روز محشر که جانگداز بود **+** اولین پرسش نماز بود **+** روزه نما
در رمضان ادا کن و زکاة مال بده و از پنج خوب گفته ششمره کوه مال ادا کن که
فضل ز را **+** چو باغبان بدر بیشتر و در انگور **+** و حج را بموجودی شرط
از دست مده و هر حکم او تعالی شانه را در دل خود بنه - و قتی که توانی توان
خود احسان کن - و قتی که او شان ناتوان شوند بازوی شفقت زیر پائی ایشان
بگستر و اقارب خود را یگانه بدر چون عقارب مشمار حق همسایه و مسکین و مسافر
و ماتحت خود به نکویی بده - و مال خود را به بیهودگی از دست مده که این اسراف
است و بتذیر - و مبنی برادران شیطان حقیر هر که این خصلت بدر

کند انجاش بندامت کشد و قدر و منزلت او از دست رود اما اگر بمقام
 خدای تعالی همه خانه و اثاث البیت بدی روست است اگر و ثوق داری که هر چه بپوش
 بگذرد بران صابر باشی و حاجت خود را نرو کس نه بری و کسی را حاجت خود مطلع نگذاری
 و الا تو سطا اولی است ای عزیزند هوش دار که شیطان دشمن پاندا رست هر چه
 که اراده بدو در دل نپایی از او پرهیز که آن از شیطان است تا توانی بگیر نیز
 بخل در انفاق خود مکن که این برادر اسراف است و بدترین صفات اشراف
 در هر کار میارو باش تا که در دایره خوش باشی و بنشاش ای عزیزند بکش جان خود را
 که مراد محبت است که این کار بسیار زبون سخت او نرو و بکاری و زنا مرو و بی بیانی و شرمساری
 و آراوه مال کسی نمانی گرفتن ببل میار چه این فعلیست که حق تعالی از او بهیز است
 و طمع بیکار و طمع راسه حرف است هر سه تھی و آنچه که بگوئی بجا آر
 ورنه عهد شکنی است و این هر جابجاء اعتبار از غیبت و تمامی اجتناب گیر
 و از کسی گوش مدار و بدو رخ و تهمت مهندار بدی کسی پیش تو آرد و راست
 تا وقتیکه پائی ثبوت نه آید و هر که دیگران را بد گوید او را بران ۵ هر که

عیب دیگران پیش تو آورد و شمرد. بیگمان عیب تو پیش دیگران خواهد بود
 زیرا که بسیار عیب خود را نیکو و کلان و بزرگ شمار و دیگران را از خود
 ذلیل و خوار که معلم الملکوت ازین راه از بالا افتاده و کلاه عزت بهوائی مذلت
 در داده. هر که پیوند کبر و ریاء بنزد در عالم کبریا نپساید. **ع** تکبر مکن زیرا که
 پسر باد که روز دستش در آئی بسراى فرزند خود بینی و خود غمانی مکن که این
 خلاف واقع مثل شان احولیست و هر که ازین دور است از خوبی دولت محرومست
 به تنگتر خرام که این حرامست اگر تکبر و تنگتر میکنی نه توانی که زمین را از پای کنی و سراز
 آسمان ببری. ای فرزند شکر حق تعالی ادا کن که ترا نعمت فرماید و بآن کار بپرداز
 گو این کار نیست دشوار که حق تعالی بشمار است که توانی که از ذمه اش بر آئی
ع از دست و زبان که بر آید. که عهده شکرش بدر آید. شکر این است
 که هر هر نعمت از زبان اقرارش غائی و دل را از ان بشاش داری و محضاً
 هر وقت کارش باز نداری و دست و پایی بکارش فرسانی هر چه که از او رسد بآن
 خوش باشی اگر ناگوار داری و از او راضی نشوی ضرر است که از ملک او تعالی

بیرون روی از زلفش بد نشو و آرزای آسمان بیرون رو که کفران نعمت
 همیشه هشتاد و این سخن و از ویر میز گرد دل کز ان انعامات الهی در آید
 نوز ایمان و نعمت بخاوند سبحان فرزند آبی فرزند تالقانی بزرگان را ادب پیش آید
 و خود را در راه شفقت خوشی را شعر ادب تا بیست از لطف الهی به بند بر سر
 برو هر جا که خواهی این را به نفس خود خیال که آنچه بر خود نیبندی بد دیگران
 پسند نشنوی به خلق خوش خلق و خنده رو باش تلخی و ترش روی بگذار چون تو
 پاشیده اند تو بر خلق پاش تشبیه مروت را شعار خود ساز به هیچ نکویی خود منان
 دوست و دشمن را به نیک روش خود شاو کن و خندان و دوستان و دشمنان را
 از کار خود در بختان تا او شان دوستی افزاین و ایشان از دشمنی باز آیند
 شهر آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرفست: با دوستان لطف با دشمنان را
 ای فرزند در همه حال قیام مزاج باشی تلون از خود را سازی بر قدر سختی که چو
 شود بد دل نشو بسهولت و دانائی گوارا کرده دفع آن بکوش تا وقتی آید که
 از سر تو برود شکایت ناگواری پیش کس مساز که هم کفران است و هم

سبب غضب الهی و باعث خوشنودی دشمنان - جائیکه بدبختی یا به
 بینی آنرا پسند - آنچه امر حق خوانند و یا بخوانی خود را بعملش بند مثل آن
 حمار ناشی که انبار حکمت بردارد اما هیچ نفعی از او حاصل نسازد - دروغ
 و خوک قسم باشد که بے اعتبار خواهی شد و مردی که بے اعتبار است و چشم
 مردمان خوار است قناعت پیشه کن که بهترین صفت مردمی است و موجب
 راحت دنیا و باعث مسرت و رهایی - جائی خود نگه دار و جایی را از دست
 بگذار - از عجز و انکسار خود را بر زمین تواضع و فروتنی بنه و خجسته را
 بخود راه ده و در همه جا خود را کمترین خلائق شمر اما با است کبران
 عجز و فروتنی میار و در چشم ایشان خود را حقیر مدار از حسد چون
 درنده بگیر که آتش است جان سوز - این کیمیاست دوستان را
 بیاموز - آنچه که گوئی بتالی گوئی اگر خوب است اختیار داری و اگر نیک
 نباشد چون تیر از دست رفته باز نیاید و حسرت بدست آید از صحبت
 بد بگیر چون کوسفندان از گرگ تیز دندان که دین و ایمان را

بے نور سازد و فهم و فراست از تو بر باید **ص** صحبت صالح ترا
 صالح کند **ص** صحبت طالح ترا طالح کند - راز خود را بزد دوست
 خالص گفتن خود را در ورطه نهد امت انداختن است اگر گویی حسرت
 بری و بازائی نهد امت بری دوست را از دشمنان بر آوردن
 کار دشوار است که دوست کیاب است و دشمن دوست نما
 بسیار کارشایسته بے مشوره دوست مکن **د** در چنین
 کار مشورت باید **د** کار بے مشورت نکوناید - ای فرزندان از آنچه
 که داری تا توانی حاجت خلق بر آرت ضرورت های تو بر آید
 خدایا بر تو باشد تو بر خلق پاش چشم از عیب پوشیدن
 و سیرت عفو گرفتن فرزندانگی است و در حالت غضب
 غیظ را فرو خور و ن مردانگی است - صلی الله تعالی علی خیر خلقه
 محمد و آله و صحابه اجمعین بر جنتک یا ارحم الراحمین مم مم مم

CALL No. { ۲۹۷۹۰۷ } ACC. No. ۲۵۷۱
 AUTHOR _____
 TITLE ۲۹۷۹۰۷

۲۹۷۹۰۷ ۲۹۷۹۰۷
 ۲۵۷۱
 ۲۹۷۹۰۷

Date	No.	Date	No.



MAULANA AZAD LIBRARY **ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY**

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

